



آرژیتا ضالین

کارشناس الهیات و معارف اسلامی
دبیر دبیرستان فاطمه زهرا سلام الله علیها - بوشهر

معلم و

امر به معروف و نهی از منکر

مقدمه

احیای ارزش‌های اصیل اخلاقی و بازگشت به اصول فراموش شده اسلامی شرط لازم برای حاکمیت بخشیدن به اسلام در جامعه ماست. زیرا برخلاف سیستم‌های حکومتی و نظامات اجتماعی دیگر که تنها از راه قانون به حاکمیت خود استقرار می‌بخشد، حکومت اسلامی بر دوش فرد فرد مسلمانان و بر دل‌های آکنده از نور و معرفت آنان تکیه می‌زند. پیامبر اکرم (ص) که خود بزرگ معلم الهی جهان بشریت است، می‌فرماید: «إِنِّي بَعَثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

می‌توان گفت طبق فرموده مولا علی (ع) مردم وقتی از حسن و قبح چیزی خبر ندارند و از کنه مطلب بی‌اطلاع هستند؛ چه بسا به مخالفت با آن برخیزند و در مقابلش جبهه‌گیری کنند: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا: مردم دشمن چیزی هستند که نسبت به آن آگاهی ندارند.» (ص ۱۳۶۷ نهج البلاغه)

حال می‌خواهیم بررسی کنیم چگونه می‌توانیم فرزندان این مرز و بوم را که امانت‌هایی گران‌بها در دست ما هستند، آگاهی بدهیم، تربیت کنیم و اشتباهات احتمالی‌شان را به آن‌ها گوشزد نماییم. اصلاً خود ما به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر، چه قدر عامل به معروف هستیم و در قبال این تکلیف الهی چه وظایفی داریم. «أَوْضَعَ الْعَلِيمُ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرَفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ: بی‌ارزش‌ترین دانش دانشی است که بر

زبان جای گرفته و برترین علم، علمی است که در دل و جان و اعضا و جوارح جا دارد.»

و ای بر ما اگر در زمره پیشوایان گمراه باشیم، بگوئیم و عمل نکنیم و به زبان آوریم و در دل باور نداشته باشیم. اندرزگویی که خود اهل عمل نیست چون تیراندازی است که کمان ندارد (از امام صادق علیه‌السلام) چهل سخن، ص ۱۳۸.

◀ **کلیدواژه‌ها:** امر به معروف و نهی از منکر، معلم، اصلاح تأثیر، شرایط موعظه، کرامت انسان.

اهمیت مسئله

سرگذشت انسان‌هایی که باوجود دوری از گناه و تنها به علت بی‌توجهی به اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در طول تاریخ مورد عذاب حضرت باری تعالی قرار گرفته‌اند، ارزش و اهمیت نظارت همگانی در جامعه را دوچندان می‌کند. چراکه بر مبنای احادیث و روایات فراوان از بزرگان عرصه دین و دانش، آبادانی سرزمین‌ها، اقامه فریض و ایجاد امنیت اجتماعی منوط به انجام این فریضه اعلام شده است.

امام علی (ع): «مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ: هر کس کارهای بد را بپسندد و خوب بداند و (از آن‌ها جلوگیری نکند) مانند کسی است که خود در آن‌ها شرکت داشته و ممکن است به عقوبت آن‌ها نیز گرفتار شود (چهل سخن، ۲۶).



بی‌ارزش‌ترین
دانش دانشی است
که بر زبان جای
گرفته و برترین
علم، علمی است
که در دل و جان و
اعضا و جوارح جا
دارد

تعریف امر به معروف و نهی از منکر

«امر» به معنای فرمان دادن و «معروف» در لغت به معنای شناخته شده، مشهور و نیز به معنای نیکی و کار نیک است. معروف، هر کاری است که (خوبی آن) به واسطه عقل یا شرع شناخته شده باشد، مانند واجبات الهی همچون نماز، روزه، خمس، نیز وظایف اخلاقی مانند صداقت، عدالت، عفت و... «نهی» به معنای باز داشتن، منع کردن، و «منکر» یعنی کار زشت، نامشروع، ناپسند، ناشایسته و بد. در این جا منظور از منکر، هر کاری است که شرع و عقل به زشتی آن حکم می کند (معارف اسلامی، ص ۱۶۴)

اقسام امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از نظر حکم تکلیفی و مقام اجرا به انواعی تقسیم می شوند که عبارتند از:

الف) تقسیم از نظر حکم تکلیفی

۱. واجب: امر در چیزهایی که از نظر عقل و شرع واجب باشد، واجب است و نهی در چیزهایی که از نظر عقل زشت یا از نظر شرع حرام باشد، واجب است.
۲. مستحب: امر و نهی در چیزهایی مستحب یا مکروه، مستحب است.

ب) تقسیم از نظر اجرا

۱. فردی: در این نوع از امر و نهی، هر کس از افراد جامعه هنگام مواجهه با منکر، با اجماع شرایطی که خواهد آمد موظف است امر به معروف و نهی از منکر کند.
۲. گروهی: هر گاه برپایی واجب یا ریشه کنی منکر، به اجماع گروهی از افراد وابسته باشد و کار فردی مؤثر واقع نشود، لازم است امر به معروف و نهی از منکر، به صورت گروهی - اجتماعی تعدادی از افراد به قدر کفایت - انجام گیرد.
۳. حکومتی: در زمان استمرار حکومت اسلامی، در همه مواردی که نهی از منکر به تصرف در جان و مال فاعل منکر توقف دارد و به برخورد فیزیکی منجر می شود، امر و نهی به حکومت و نیروهای انتظامی و دستگاه قضایی موکول می شود (معارف اسلامی ص ۱۶۶ - ۱۶۷).

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر امر به معروف و نهی از منکر با شرایط زیر واجب می شود:

۱. علم: امر و نهی باید بداند که آن چه شخص مکلف به جا نمی آورد، واجب است به جا آورد و آن چه به جا می آورد، باید ترک کند و بر کسی که معروف را نمی داند واجب نیست (م ۲۷۹۱).
۲. احتمال تأثیر: شخص امر و نهی باید احتمال بدهد امر به معروف و نهی او تأثیر می کند، پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست (م ۲۷۹۱).
۳. اصرار بر گناه: امر و نهی باید بداند شخص معصیت کار بنا دارد معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند، واجب نیست (م ۲۷۹۱).

۴. نداشتن مفسده: اگر امر و نهی بداند یا گمان کند

یا احتمال دهد و یا بتسد که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او یا بستگان او می رسد و یا موجب حرج بر بعضی مؤمنین می گردد، واجب نمی شود، بلکه در بسیاری از موارد حرام است. (م ۲۷۹۱) معارف اسلامی ص ۱۶۶.

برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است و جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود. این مراتب عبارتند از:

الف) مبارزه منفی: به این معنا که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب معصیت، این گونه به او عمل شده است. مثلاً این که از او رو برگرداند، یا با چهره عبوس با او ملاقات کند، یا با او ترک مراده کند.

ب) امر و نهی زبانی: مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است. که باز مراتبی دارد، مثل موعظه و نصیحت، تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت.

ج) اقدام عملی: مرتبه سوم توسل به زور و جبر است. پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی کند، یا واجب را به جا نمی آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است. لکن باید از قدر لازم تجاوز نکند (معارف ۱۶۹ - ۱۶۷)

چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم: امام جواد(ع): «مؤمن به سه خصلت نیازمند است: اول تأیید خداوندی، دوم نصیحت کننده ای از درون خود، سوم پذیرش اندرز خیر خواهان.» چهل سخن، ص ۱۸۶

سیره همه انبیا بر همین منوال بوده است که همواره با مردم با ملایمت و مهربانی رفتار می کردند. همچنان که در مورد اعزام حضرت موسی(ع) و برادرش [هارون] برای هدایت فرعون، خداوند متعال فرمود: «فَقُولَا قَوْلًا لِّئَلَّا لَعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ اَوْيَحْسٰى». با فرعون نرم و ملایم سخن بگویند، شاید در اثر سخنان نرم شما متذکر حقایق شود یا از عذاب الهی بهراسد. (اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۸۹).

روش های تربیتی امر به معروف و نهی از منکر
روش الگویی، روش محبت، روش تکریم شخصیت، روش موعظه و نصیحت و روش تشویق و تنبیه مهم ترین روش های تربیتی در این خصوص است:

روش الگویی

«مردم را با رفتار خود به حق راهنمایی کنید نه با زبان خویش.» امام صادق(ع) همان، ص ۱۳۸.

غریزه تقلید یکی از غرائز نیرومند و ریشه دار در انسان است. به برکت وجود همین غریزه است که کودک، بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، طرز تکلم و... را از پدر و مادر و سایر معاشران فرا می گیرد و به کار می بندد. پیامبر اکرم(ص) از راه تعلیم عملی، دیگران را در مسیر انجام تکلیف قرار می داد. مثلاً می فرمود: «صَلُّوْا كَمَا رَأَيْتُمُوْنَ اَصْلٰى»: همان گونه نماز گزارید که من انجام می دهم همان... (ص ۱۴۲).



مادر [یا معلم] می‌تواند با رفتار خود خصلت‌های امانت، صداقت، وفای به عهد، حقیقت‌جویی [و دیگر کارهای شایسته‌ای که از او انتظار داریم] را در کودک، [نوجوان و...] احیا کند و یا آن‌ها را از میان ببرد. مادر [یا معلم] می‌تواند زمینه را برای هدایت فطری طفل و [فراگیرنده] فراهم سازند و یا موجب انحرافش از صراط مستقیم گردند (همان، ۱۳۸).

مشاهده خیر و شر، هر دو در تغییر طبایع، مؤثر است. برای اثرپذیری شخصیت انسان نه تنها مشاهده و دیدن، بلکه شنیدن نیز در طبیعت انسان اثر می‌گذارد (همان، ص ۱۳۹).

با وجود این که فضای تعلیم و تربیت زیرپوشش عناصر گوناگونی قرار دارد که همه آن‌ها می‌توانند برای شاگردان، الگوپرداز و سرمشق‌ساز باشند؛ مع‌الوصف هیچ عنصری از عناصر مدرسه نمی‌تواند همانند معلم و به اندازه او الگوسوز و یا الگوساز باشد (همان، ص ۱۴۰).

خواجه عبدالله انصاری - به همان قسم که دود را دلیل بر وجود آتش و گرد و خاک را اثر ورزش باد می‌داند - شاگرد و همه کیفیات روحی او را اثر مستقیم شخصیت معلم می‌داند و می‌گوید: «دود از آتش نشان ندهد و خاک از باد، که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» (همان، ص ۱۴۱).

معلم به سبب نفوذ معنوی و اینکه بیشترین و ارزنده‌ترین لحظات عمر دانش‌آموزان - اعم از خردسالان و نوجوانان در مدرسه و در ارتباط با معلم می‌گذرد. تأثیرش عمیق، پایدار و از سایر عوامل نیز بیشتر است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اگر درصدد اصلاح دیگران هستی نیت خود را اصلاح کن. این عیب بزرگی است که به اصلاح و تربیت دیگران بپردازد در حالی که خود فاسد باشی.» دوگانگی در رفتار و گفتار معلم دو نتیجه سوء به بار می‌آورد: نخست این که گفتار معلم، اثر خود را از دست می‌دهد، دیگر این که نتیجه معکوس می‌دهد و متعلم دچار سردرگمی، تزلزل و تضاد شخصیت می‌شود (همان، ۱۴۳). انسان‌ها در همه ادوار عمر، به‌ویژه به هنگام نوجوانی و جوانی، از شنیدن و خواندن داستان‌ها و دیدن فیلم‌ها لذت می‌برند. تأثیر یک داستان تخیلی یا واقعی، یا یک فیلم سینمایی، در ارائه الگو از تأثیر سخنرانی و مطالعه کتاب بیشتر است (همان، ص ۱۴۵).

معلم می‌تواند از طریق ذکر داستان‌ها و رویدادهای ملموس جامعه، شاگرد را به تفکر درباره حسن و قبح اعمال شخصیت‌های مزبور وادارد. و سرانجام خود نتیجه‌گیری کند. به قول سعدی شیرین سخن: لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان. هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از آن پرهیز کردم.

روش محبت

امام علی (ع): «دل‌ها حالت میل و پذیرش و هم حالت امتناع است. سعی کنید دل‌ها را از راه پذیرش و میلشان تسخیر کنید، زیرا هر گاه دل به زور تصرف شود تیره گردد.» (چهل سخن، ص ۳۰).

محبت نیاز اساسی انسان و بالخصوص کودکان است. ثابت شده است محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح کودک و نبودن آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. تعالیم اسلام برای رشد شخصیت انسان، مربیان را امر به محبت و مهربانی نسبت به کودکان می‌نماید. (اخلاق و تربیت اسلامی ۱۴۸) از محبت خاها گل می‌شود/ وز محبت سرکه‌ها مل می‌شود. اگر شاگرد از مهر و عطفوت ما نسبت به خودش اطمینان داشته باشد، امر و نهی ما را نیز به راحتی می‌پذیرد و حتی تنبیه را به جان و دل می‌خرد. «أحبّ الصبیان و أرحمهم». کودکان خود را دوست بدارید و نسبت به آن‌ها مهر بورزید. پیامبر (ص) (همان، ص ۱۴۸).

در این راستا سعه صدر معلم حرف نهایی را می‌زند. گاه لازم است از روش معصومین (ع) درس گرفت و بدی را با خوبی پاسخ گفت. مثلاً جواب یأوه گویی‌های آن‌ها، سخن حقی باشد که بر زبان تو جاری می‌شود نه آن که یأوه آن‌ها را با یأوه‌ای دیگر پاسخ گویی. «و [بهنتر] است با حلم و بردباری از نادانی آن‌ها در گذری و به اصطلاح دفع به احسن کنی. در این صورت است که او شرمنده می‌شود و از رفتار زشتش دست برمی‌دارد. مانند داستان امام حسن مجتبی (ع) و مرد شامی که ایشان را شناخته سب می‌کرد و بعد با دیدن حلم امام و رفتار محبت‌آمیز ایشان شرمنده کردار خویش گردید و گفت: «اللَّهُ یَعْلَمُ حَیْثُ یَجْعَلُ رَسَالَتَهُ».

نتیجه این روش را خداوند کریم این‌گونه بیان فرموده است: «فَالَّذِی یُنِیْکَ وَ یُبَیِّنُ عَدَاوَةَ کَاثِرٍ وَ لَوْ حَمِیْمٌ: پس آن‌گاه همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد.

مراد این است که وقتی بدی‌ها و باطل‌ها به بهترین وجه دفع شد، دشمن سرسخت، آن‌چنان دوست می‌شود که گویی علاوه بر دوستی شفقت هم دارد (همان، ص ۱۵۲).

روش تکریم شخصیت

از امام سجّاد (ع) پرسیدند: «چه کسی با عظمت‌ترین انسان‌هاست؟ فرمود: آن کس که تمام دنیا را با خودش برابر نمی‌بیند» (اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۷۲)

یکی از سرمایه‌های فطری و ذخائر طبیعی که در باطن هر انسان براساس مشیّت حکیمانه الهی به ودیعه نهاده شده غریزه حبّ ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس به خود علاقه دارد. مربی لایق می‌تواند از این سرمایه فطری استفاده کند و در پرتو غریزه حبّ ذات، بسیاری از سجایای اخلاقی و صفات پسندیده را در کودک [و نوجوان] پرورش دهد. یکی از طرق ارضای غریزه حبّ ذات، تکریم کودکان و توجه به شخصیت آن‌هاست (همان، ص ۱۵۸).

امام علی (ع): «با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن گویند تا او نیز به شما با احترام جواب دهد» (همان، ص ۱۶۰). در قرآن آمده است: «وَقُلْ لِعِبَادِی یَقُولُوا لَئِنِ هِیَ اَحْسَنُ: ای پیغمبر به بنندگان من بگو در مقام گفت‌وگو با مردم، از هر طبقه‌ای که باشند، به نیکی سخن گویند و از گفتارهای

با وجود این که

فضای تعلیم و

تربیت زیر پوشش

عناصر گوناگونی

قرار دارد که همه

آن‌ها می‌توانند برای

شاگردان، الگوپرداز

و سرمشق‌ساز

باشند؛ مع‌الوصف

هیچ عنصری از

عناصر مدرسه

نمی‌تواند همانند

معلم و به اندازه او

الگوسوز و یا الگوساز

باشد



زشت پرهیز کنند.» و امام باقر(ع) می‌فرمایند: «به بهترین و پسندیده‌ترین وجهی که میل دارید مردم درباره شما سخن بگویند شما درباره مردم سخن بگویید» (همان، ۱۵۹).

همه افراد دارای حب ذات هستند، وقتی بدانند کارناپسند به شخصیت آنان از ضربه می‌زند و از عزت و محبوبیت‌شان می‌کاهد و در محیط خانواده پست و حقیر می‌شوند، آن را ترک می‌کنند و عملاً به اصلاح خویش می‌پردازند (همان، ص ۱۶۲).

روش موعظه و نصیحت

موعظه در جایی گفته می‌شود که کلمات و جملاتی به منظور رد و منع و تسکین شهوت و غضب - در مواردی که لازم است - القا می‌شود. راغب گوید: «أَلَوْ عَطَّ زَجْرٌ مُّقْتَرِنٌ بِالْتَّخْوِيفِ: یعنی موعظه، منعی است که مقترن به بیم دادن (از عواقب کار) باشد».

موعظه کلامی است که به دل نرمی و رقت می‌دهد، قساوت را از دل می‌برد (همان، ص ۱۷۴) و قرآن کریم سرشار از پند و اندرز است. چه از جانب خدای متعال و چه از ناحیه پیامبران و شخصیت‌های بزرگی چون لقمان. حضرت علی(ع) به یکی از اصحابش فرمود: «عظنی: مرا موعظه کن. و می‌فرمود: در شنیدن اثری هست که در دانستن نیست (همان، ص ۱۷۴). برای موعظه کردن باید به دو نکته اساسی توجه نمود: الف) توجه به توانایی فهم طرف موعظه: پیامبر (ص) در این باره می‌فرمایند: «ما گروه انبیا و پیغمبران دستور داریم که مردم را طبقه‌بندی کنیم و هر کس را به جای خویش بنشانیم و با آنها به نسبت توانایی فهمشان گفت‌وگو کنیم».

ب) استفاده از تعریض و کنایه در موعظه: اولاً تصریح و آشکار گویی، پرده هیبت و ابهت استاد را می‌برد و موجب جرأت و جسارت شاگردان در ارتکاب اعمال خلاف می‌گردد. ثانیاً موجب می‌گردد که آنان، بیش از پیش، با حرص و ولع در تخلف‌های خویش، اصرار ورزند. همچنان که گفته‌اند: «الإنسان حریص علی ما منع» (همان، ص ۱۷۶). می‌توان به داستان وضوی پیرمردی که وضویش نادرست بود، و یادآوری به ایشان توسط حسنین(ع) در کودکی‌شان توجه داشت.

امام دهم(ع): «علمایی که از اندرز دادن خودداری کنند به خود خیانت کرده‌اند.» (چهل سخن، ص ۱۹) و اما خوب است در اینجا برای این که پند و اندرز اولیا و مریدان نتایج ثمربخش‌تری به بار آورد، اشاره‌ای به شرایط موعظه داشته باشیم.

شرایط موعظه

۱. فردی که موعظه می‌کند، باید خود نمونه و الگوی کاملی از محتوای پند و اندرز خویش باشد، رسول اکرم(ص): «هرگز کار نیک را برای خودنمایی انجام مده و نیز برای شرم آن را ترک مکن» (چهل سخن، ص ۶).

۲. موعظه باید رسا و بلیغ باشد و از شرایط بلیغ بودن موعظه یکی هم این است که سنجیده و بجا و متناسب با وضعیت فکری و حساسیت‌های روحی شنونده باشد (اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۱۷۶).

در این زمینه می‌توان به داستان بشر حافی که از ثروتمندان بود و اهل عیش و طرب، اشاره کرد، به طوری که با یک جمله امام موسی کاظم(ع) منقلب شد و در سلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد. زمانی که امام پس از شنیدن صدای ساز و آواز از کنیز وی پرسید: صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ و پاسخ شنید: آزاد، پس فرمود: معلوم است که آزاد است، اگر بنده می‌بود و پروای صاحب و مالک و خداوندگار خویش را می‌داشت این بساط را پهن نمی‌کرد (همان، ص ۱۷۷).

دل گفت مرا علم لدنی هوس است

تعلیم کنم اگر تو را دسترس است

گفتم که الف، گفت دگر هیچ مگوی

در خانه اگر کس است یک حرف بس است

۳. به فردی باید پند داد که پندپذیر باشد و در شرایطی باید پند داد که فرد از نظر روانی آمادگی پذیرش داشته باشد.

از امام جعفر صادق(ع) نقل شده که فرمودند: «تنها دو دسته از امر به معروف و نهی از منکر بهره‌مند می‌شوند: اول مؤمنی که اصولاً نصیحت‌پذیر است. و دسته دوم نادانی که از اندرز پند می‌آموزد. ولی صاحبان قدرت و صولت زیر بار امر به معروف و نهی از منکر نمی‌روند» (چهل سخن، ص ۱۳۰).

شخصی به نام همّام از حضرت علی علیه‌السلام نشانه و اوصاف افراد با تقوا را سؤال کرد. امام کمی تأمل فرمود. اما همّام اصرار کرد و امام نشانه‌هایی فرمود. ناگهان همّام فریاد کشید و از دنیا رفت. امام فرمود: موعظه خالصانه در دل آماده این گونه اثر می‌کند. (نهج البلاغه خ ۱۸۴، خطبه همّام)

روش تشویق و تنبیه

اصل تشویق و تنبیه در تربیت اسلامی امری مسلم شناخته و پذیرفته شده است. اصولاً وجود بهشت و جهنم، انذار و تبشیر پیامبران، آیه‌های مربوط به پاداش و کیفر، وعده و وعیدهای شوق‌انگیز و خوفناک و... همه جلوه‌هایی از تشویق و تنبیه هستند

امام علی(ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر - فرمانروای مصر - می‌فرماید: «مبادا نیکوکار و بدکار پیش تو یک‌سان باشند، زیرا چنین روشی نیکوکار را از کار نیک دور می‌سازد و بدکار را به کار بد سوق می‌دهد» (اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۱۸۱).

افراد در سایه تشویق از بسیاری خواسته‌ها و تمنیات خود چشم‌پوشی می‌کنند و عملاً به راهی می‌روند که مشوق او خواهان آن است (همان، ص ۱۸۲).

هدف تربیت این است که در جامعه بشری، خیر و سعادت را بر شر و سیاه‌روزی، غالب و چیره سازد. وقتی فردی از مسیر خیر و سعادت، آن‌چنان گام فراتر نهد که پیروی از تمایلات نفسانی‌اش را بر هر چیزی ترجیح دهد، باید، به‌منظور هشدار او به چنین انحراف و جلوگیری از تکرار آن، از عامل تنبیه و مجازات استفاده کرد. وقتی گناهی مخفی بماند به‌جز گنهکار کسی را ضرر نمی‌رساند و اگر آشکار شود و از آن جلوگیری نکنند برای همه مردم زیان دارد (نهج‌الفصاحه، ص ۳۹).

اصل تشویق

و تنبیه در تربیت

اسلامی امری مسلم

شناخته و پذیرفته

شده است. اصولاً

وجود بهشت و

جهنم، انذار و تبشیر

پیامبران، آیه‌های

مربوط به پاداش

و کیفر، وعده و

وعیدهای شوق‌انگیز

و خوفناک و... همه

جلوه‌هایی از تشویق

و تنبیه هستند.



البته استفاده از این عامل وقتی است که سایر عوامل تربیتی از تأثیر و کارایی در مورد فرد، نارسا و عاجز باشند. علی‌هذا تنبیه و مجازات، که یکی از عوامل بازدارنده است، در شرایط به‌خصوصی نیرومندترین و ضروری‌ترین وسیله ضمانت خیر و سعادت برای جامعه انسانی است. خداوند متعال می‌فرماید: «ای اندیشمندان در امر قصاص و مجازات متخلف، حیات و زندگانی شما پیش‌بینی و ضمانت شده است.» بقره، ۷۵. به قول سعدی: **ترحم بر پلنگ تیز دندان**

جفا کاری بود بر گوسفندان

یکی از اهداف تنبیه در اسلام، پند و اندرز به دیگران و عبرت‌آموزی ناظران تنبیه است. منظور این است که دیگران با مشاهده تنبیه گناهکار، عبرت بگیرند و از طرف دیگر، خود متخلف، بیشتر تحت تأثیر تنبیه قرار گیرد. چون اثری که از تنبیه عاید گناهکار می‌گردد - علاوه بر درد و رنج - این است که رسوا و مفتضح می‌شود (اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۱۹۸).

مجازات و کرامت انسان

برخی می‌گویند مجازات، خشونت است که با کرامت انسان مغایر است! ولی در جواب آن‌ها می‌گوییم هر انسانی از کرامت ذاتی برخوردار است و خود مسئول خود است. لذا نباید به حقوق دیگران تجاوز کند. حال اگر به وظیفه خود عمل نکرد و حقوق دیگران را پایمال نمود، آیا مجازات او با کرامت انسانی تنافی دارد؟ او خود کرامت خویش را حفظ نکرده و این مجازات نیز نتیجه عملی است که دو اثر داشته است: یکی تجاوز به حقوق دیگران، و مورد دیگر از بین بردن کرامت خویش.

نکات مهم در امر تنبیه:

۱. قبل از اعمال تنبیه باید ریشه و علت تخلف را کشف کرد تا با از میان بردن آن از تکرار تخلف جلوگیری به عمل آید.
۲. تنبیه باید به منزله آخرین روش تربیتی، مورد استفاده قرار گیرد.
۳. تا آنجا که ممکن است نباید به تنبیه بدنی متوسل شد.
۴. تا آنجا که ممکن است سعی شود تنبیه در حضور جمع اعمال نشود.
۵. نباید امر تنبیه را به دانش آموز دیگری محول کرد.
۶. باید عمل فرد نکوهش شود نه شخصیت او.
۷. تنبیه نباید مضاعف باشد (یعنی هم نگاه ملامت‌بار، هم ریشخند، هم...).
۸. نباید در تنبیه زیاده‌روی کرد.
۹. دیگران را نباید به رخ او کشید.
۱۰. اگر فرد از کارش پشیمان شد و از رفتارش بازگشت باید او را با مهر و نوازش پذیرا شد.
۱۱. یکی از طرق تنبیه برای نوجوانی که رشد مذهبی دارد، این است که به او تفهیم کنیم که خداوند از تخلف او راضی نیست.

نتیجه‌گیری

بدون تردید هر نهضتی جهت حفظ مسیر حرکت خود به سوی اهداف از پیش تعیین شده نیازمند طراحی تدوین فرایند آسیب‌شناسی و اصلاح‌طلبی مستمر با شیوه‌های روشمند و درونی برای کاهش آستانه آسیب‌پذیری است. در همین چهارچوب دو اصل گران‌قدر و مترقی امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین راهبرد آسیب‌شناسی و فرایند اصلاح‌طلبی در جهت صیانت از نظام اسلامی است.

در اصل هشتم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.»

پروردگارا دلی آگاه، دیده‌ای بینا، زبانی گویا و ذهنی پویا به ما عطا کن تا راه تو پوییم و جز تو نجوییم.

منابع

۱. ارفع - سیدکاظم، **نهج البلاغه**، (سید رضی)، انتشارات فیض کاشانی، تیرماه ۱۳۷۸
۲. الهامی‌نیا - علی‌اصغر و یوسفیان - نعمت‌الله، **فرازهایی از معارف اسلامی**، ناشر: آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی مقاومت بسیج، زمستان ۱۳۸۲
۳. الهی قمشاهی - مهدی (مترجم)، **قرآن کریم**، نشر: روح، قم ۱۳۷۴
۴. حجازی - سیدمحمدحسین، **چهل سخن** شرح کوتاهی از زندگی پیغمبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، نشر: شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۰
۵. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، **اخلاق و تربیت اسلامی**، ناشر: شرکت چاپ و نشر ایران، تهران ۱۳۶۸
۶. راشدی - سعید و لطیف، **نهج الفصاحه**، انتشارات: ام ایبها، قم ۱۳۸۵
۷. ربانی - حامد، **مناجات و مقالات خواجه عبدالله انصاری**، انتشارات: گنجینه: تهران ناصر خسرو
۸. رضوانی - علی‌اصغر، **اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات**، انتشارات مسجد مقدس جمکران، بهار ۱۳۸۵
۹. سادات - محمدعلی، **اخلاق اسلامی**، ناشر: شرکت چاپ و نشر ایران، تهران ۱۳۷۰
۱۰. محقق نجفی - صدیقه، **امر به معروف و نهی از منکر در علم کلام و آثار و نتایج آن از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه**، به راهنمایی احمد عابدی، ۱۵۸ کتابنامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، <http://database.irandoc.ac.ir>
<http://www.irib.ir/Occasions/amrebemarooof>

